بسمه تعالی

1- **رهنمود مقام معظم رهبری**

2**- گفتمان انقلاب اسلامی و دال‌های آن**

3- **تخریب های گسترده و رسالت سپاه**

4**- توسعه به چه قیمت**

5**- داعش پس از عراق و سوریه کجا می‌رود**

6- **تحلیلی بر دیدار روحانی و فرماندهان ارشد سپاه**

**7- پرسمان سیاسی**

8- اخبار ویژه

\* **رهنمود مقام معظم رهبری**

استحکام درونی راه حل مشکلات کشور

راه عبور از همه‌ی مشکلاتی که برای کشور محتمل است، چه در این دوره، چه در ده ‌سال دیگر، چه در پنجاه‌ سال دیگر، این است که کشور از درون مستحکم باشد. ببینید چه‌جوری استحکام حاصل میشود. استحکام داخلیِ نظام، اساس کار است؛ هم استحکام سیاسی، هم استحکام اقتصادی، هم استحکام فرهنگی، و هم بالاتر از همه استحکام روحی و روانی افراد، بخصوص نخبگان و بخصوص مسئولان ارشد کشور. این استحکام اگر وجود داشته باشد، هیچ خطری کشور را تهدید نمیکند. کشور در مقابل همه‌ی خطرها آماده است. جوانهای عزیز ما بایستی این رویِشِ مبارکِ روحیّه‌ی انقلابی را ادامه بدهند. بحثها و جنجالها و حاشیه‌سازی‌ها و پرداختن به چیزهای کوچک و جزئی و مانند اینها مسئله‌ی کشور نیست؛ مسئله‌ی کشور، روحیّه‌ی انقلابی است؛ مسئله‌ی کشور، جهت‌گیری انقلابی است؛ و از لحاظ عملی و برنامه‌ریزی، مسئله‌ی کشور، اقتصاد است که بارها عرض کرده‌ایم، پیشرفت علمی است که بارها عرض کرده‌ایم و اتّحاد و انسجام آحاد ملّت است که این را هم بارها عرض کرده‌ایم. اینها مسائل اصلی کشور است.(25/8/95)

**\*گفتمان انقلاب اسلامی و دال‌های آن**

تحولات اجتماعی در معنایی عمیق، ‌همواره عرصه نزاع و تقابل گفتمان‌ها و ایده‌ها نیز هستند؛ به این معنا که آنچه در صحنه‌ واقعیت اجتماع و سیاست صورت می‌گیرد، یک لایه‌ عمیق فکری ـ گفتمانی نیز دارد؛‌ این‌گونه که در قالب این تحولات معمولاً گفتمان‌ها نیز برای رسیدن به منزلت هژمونیک و معنابخشی به شکل‌های مسلط معنا و رفتار با هم رقابت می‌کنند. با این مقدمه‌ کوتاه باید گفت، گفتمان اسلام سیاسی در ایران اگرچه به تدریج از سال‌های دهه 40 به منزلت هژمونیک رسید، اما حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از چالش‌آفرینی و رقابت دیگر گفتمان‌ها، مانند گفتمان چپ و ملی‌گرایی در امان نبود. آنچه پس از انقلاب و مقارن با پیروزی انقلاب تا حدود اواسط دهه‌ شصت سبب شد گفتمان اسلام سیاسی به رهبری امام(ره) بتواند رقبای گفتمانی خود را به حاشیه براند و در شکل‌دهی به تحولات کشور نقش مهمی را ایفا کند، افزون بر قابلیت دسترسی و اعتبار، تشدید خصلت آنتاگونیسمی و پررنگ کردن مرزهای گفتمان انقلابی با گفتمان‌های «غیر» بود که در گزاره‌ها و دال‌های اساسی با گفتمان اصیل انقلاب اسلامی تفاوت داشتند. به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت در تثبیت انقلاب اسلامی و ماندگاری آن، مشخص شدن دقیق مرزهای آن با گفتمان‌های زاویه‌دار با اصول امام(ره) و انقلاب بود؛ مسئله‌ای که در همه‌ دوره‌ها و در زمینه همه‌ گفتمان‌ها و نظام‌های سیاسی صدق می‌کند.

با وجود این، در وضعیت کنونی به نظر می‌رسد، مرزهای دقیق گفتمان انقلاب اسلامی و دال‌ها و مؤلفه‌های آن، در اثر برخی سوءبرداشت‌ها و تحریف‌ها از سوی برخی جریان های سیاسی و شخصیت های بانفوذ در معرض خطر قرار گرفته است. این جریانات و شخصیت ها با توجه به شرایط کشور و تحولات جهانی تفسیرهایی از گزاره های گفتمانی انقلاب و دال های آن ارائه می دهند که به سمت انفعال متمایل شده و یا نوعی تحجر و به نادیده گرفتن واقعیت ها منجر می گردد.

این خطرها چیزی است که رهبر معظم انقلاب بارها متذکر آن شده اند و در واقع هر دو جریان و شبه‌گفتمان مذکور با گفتمان اصیل انقلاب اسلامی و خط امام(ره) فاصله دارند؛ در گفتمان‌ انقلابی برخلاف جریان اول، همواره بر حفظ استقلال و هویت کشور، تکیه بر ظرفیت‌های درونی و ارتقای عزتمندی و عزت‌محوری تأکید می‌شود و برخلاف جریان دوم، گفتمانی سازنده و پویا، با دیدن الزامات و شرایط عمل است و افزون بر تاکید آرمان ها و داشتن وجه سلبی، توجه به واقعیت ها و وجه ایجابی و سازندگی نیز دارد. بنابراین، در وضعیت کنونی، ضرورت حفظ و ارتقای ماندگاری انقلاب اسلامی و تداوم وجه پیش‌روندگی و پیش‌برندگی آن ایجاب می‌کند که مرزهای گفتمان اصیل انقلاب بیش از پیش با این شبه‌گفتمان‌ها که یک سر آن به سکولاریسم و لیبرالیسم و سر دیگر آن به تحجرگرایی منجر می‌شود، متصلب‌تر شود و مرزهای آن با این دو مشخص‌تر و شفاف‌تر باشد؛ برجسته‌سازی دال‌های گفتمان انقلاب و تلاش برای طرد و به حاشیه راندن مؤلفه‌های این شبه‌گفتمان‌ها، راه‌حل اساسی مواجهه با این وضعیت است. تأکیدهای چند وقت اخیر رهبر معظم انقلاب مبنی بر بیان شاخصه‌های خط امام(ره)، تأکید بر نگاه به درون برای حل مشکلات کشور و... ناظر به این واقعیت است.

**\*تخریب های گسترده و رسالت سپاه**

در روزهای اخیر سرلشکر محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران در قبال برخی سخنان ناروا علیه سپاه، مواضع اصولی مهمی را اتخاذ کرد. در روز نخست تیر ماه، رئیس‌جمهور روحانی در ضیافت افطاری فعالان اقتصادی، اظهار داشت: «ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ برای این بود که اقتصاد به مردم واگذار شود و دولت از اقتصاد دست بکشد، اما ما چه کار کردیم؟ بخشی از اقتصاد دست یک دولت بی‌تفنگ بود که آن را به یک دولت با تفنگ تحویل دادیم، این اقتصاد و خصوصی‌سازی نیست.» رئیس‌جمهور افزود: «از آن دولتی که تفنگ نداشت می‌ترسیدند، چه برسد به اینکه اقتصاد را به دولتی دادیم که هم تفنگ دارد و هم رسانه را در اختیار دارد و همه چیزی دارد و کسی جرئت ندارد با آنها رقابت کند.»

ادبیات تند رئیس‌جمهور که بسیاری آن را علیه سپاه پاسداران تعبیر کردند، با واکنش سریع مسئولان و فرماندهان سپاه مواجه نشد و چند روز بعد سرلشکر جعفری در سخنانی توأم با آرامش با بیان اینکه «صاحب تفنگ که سهل است، ما صاحب موشک‌های دشمن‌شکن هستیم و آنها را علیه دشمنان و برای حفاظت از نظام، مردم و امنیت ایران اسلامی به کار می‌گیریم»، گفت: «دولتی که تفنگ نداشته باشد توسط دشمنان تحقیر و سرانجام تسلیم می‌شود.» فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ادامه تصریح کرد: «ما خود را مأمور به حفاظت از انقلاب اسلامی و دستاورد آن می‌دانیم و معتقدیم تلاش برای قطع وابستگی معیشت مردم و اقتصاد کشور، از مصادیق اصلی این حفاظت و حراست است.»

سخنان رئیس‌جمهور روحانی علیه فعالیت‌های سازندگی سپاه، از تُندی و مطرودسازی لازم برخوردار بود و ظرفیت ایجاد التهاب سیاسی ناخوشایندی را در داخل داشت؛ اما سنگر اصالت‌پروری سپاه محکم‌تر از تصور نیروهای پشت صحنه التهاب‌آفرینی است. مواضع بعدی سرلشکر جعفری این اصالت را بیشتر نمایان کرد. سرلشکر جعفری در مراسم معارفه جانشین جدید قرارگاه ثارالله تهران اظهار داشت: «سپاه خود را غمخوار و دلسوز مردم می‌داند و حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی آنها را به اندازه سلاح و تجهیزات، بلکه بیشتر از آن، امنیت‌زا می‌داند و در این مسیر همه توان خود را به کار خواهد بست.» ایشان در ادامه به برخی تلاش‌ها برای دامن زدن به بحث‌های نازل رسانه‌ای درباره سپاه اشاره کرد و گفت: «تا زمانی که پیوند میان مردم و سپاه تحت امر و فرماندهی رهبر معظم انقلاب اسلامی برقرار است، این تلاش‌ها نتیجه‌ای جز ناکامی برای بانیان آن در پی نخواهد داشت. ما برای مردم ایران جان می‌دهیم، پس برای‌مان خیلی سخت نیست که زخم زبان‌ها را به جان بخریم.»

آخرین موضع‌گیری سرلشکر جعفری که تا حدّی در همین جهت قرار دارد و البته پیام آن می‌تواند با نظر به تحولات منطقه و بین‌الملل باشد، دو روز پیش در مراسم معارفه فرمانده جدید سپاه تهران بزرگ بود که وی به مفهوم جهاد کبیر اشاره کرد و گفت: «معنای جهاد کبیر عدم اعتماد به دشمن و عدم تبعیت از دشمنان است، معنای آن عدم مذاکره نیست. برخی می‌خواهند بگویند ما کلاً با تعامل با جهان مخالف و در پی جنگیم. من با صدای بلند می‌گویم سپاه هم به دنبال صلح است؛ اما صلح تنها در صورتی محقق می‌شود و پایدار می‌ماند که دشمنان از شروع جنگ با ما در هراس باشند و از عواقب آن بترسند. صلح با مذاکره صرف به دست نمی‌آید. اگر کسی بویی از واقعیات نظام سلطه برده باشد، این را درک می‌کند.»در همین جهت، سخنان اخیر سرلشکر سلیمانی قابل توجه است. سرلشکر سلیمانی دو روز پیش در سخنان خود در جمع رزمندگان و پیشکسوتان دفاع مقدس استان کرمان، به نقش رهبر معظم انقلاب در مدیریت کشور و مسائل مختلف منطقه و نقش بی‌بدیل سپاه پاسداران در حفظ امنیت منطقه اشاره کرد و در ادامه با بیان سخن حضرت امام خمینی(ره) که فرمودند: «من از سپاه راضی هستم و هرگز نظرم برنمی‌گردد»، اظهار داشت: «من این موضوع را به عنوان یک سپاهی نمی‌گویم، سپاه را با من که عیب دارم مقایسه نکنید، من را هدف قرار دهید، نه سپاه را، اگر سپاه نبود کشور نبود و این حرف همه روزها است.»

سرلشکر سلیمانی تأکید کرد: «نباید کسی سپاه را تضعیف کند و مورد حمله‌های گوناگون قرار دهد، نباید تداعی حرف‌های دوره‌های گذشته را کرد، زیرا امروز سینه سپاه برای ایثار در راه کشور و مردم سپر است و فرقی بین بالای شهر و پایین شهر نمی‌کند، ما باید حساس باشیم و سیاسی نگاه نکنیم، اگر ما مجاهدیم و عزت ایران را می‌خواهیم، باید این اصول را رعایت کنیم.»این مواضع فرماندهان سپاه پاسداران، در حالی که تلاش‌های بیرونی بسیاری برای تخریب و تحریم سپاه پاسداران در جریان است و در داخل کشور نیز عده‌ای نادانسته به این وضعیت دامن می‌زنند، از اهمیت بسیاری برخوردار است. در تفسیر این مواضع می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

1ـ قصد و نیت اصلی فرماندهان سپاه در این مواضع، دوری از التهاب‌آفرینی و عبور از مسائل اختلاف‌برانگیز است. این موضوع که برآمده از اعتقاد آنان به حساس بودن اوضاع کشور و منطقه است، به نوعی مواضع علیه سپاه را مقدمه صورت دادن به تنش سیاسی در کشور دانسته و از این رو پاسخ دادن تُند و عصبی در مقابل مخالفت‌ها را نوعی کمک به تنش‌آفرینی می‌داند. سرلشکر سلیمانی در سخنان خود حساب افراد را از نهاد سپاه جدا می‌کند و می‌داند که حفظ ساختار یک نهاد انقلابی بسی مهم‌تر از حفظ افراد است؛ از این رو این فرض را می‌پذیرد که اگر فردی از مسئولان سپاه دچار خطایی شده است، نباید به بهانه حمله به او، کلیت یک نهاد را زیر سؤال برد. قابل توجه است که حفظ ساختارها و نهادها در شرایطی که دشمن به دنبال ایجاد سرزمین سوخته در منطقه است، مسئله‌ای حیاتی تلقی شده و در پیوند با موجودیت کل کشور تعریف می‌شود.

2ـ‌ در ادبیات فرماندهان سپاه، دفاع از توانمندی و اقتدار نظامی سپاه پاسداران با ادبیاتی حماسی و در پیوند با منافع ملی و امنیت مردم ایران تعریف شده است که به معنای مسئول دانستن سپاه در قبال حفظ کلیت کشور است. وقتی سرلشکر جعفری تأکید دارد، سپاه خود را در زمینه حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی ایران مسئول می‌داند و تصریح می‌کند: «سپاه برای مردم ایران جان می‌دهد»، مسئول دانستن سپاه در قبال کلیت کشور، تداعی می‌شود؛ کلیت کشور که در مرکز آن حفاظت از هویت ملی ایرانِ اسلامی قرار دارد و در آن دفاع از مردم و نظام سیاسی و آرمان‌ها و ارزش‌های دو طرف مستتر است. به عبارت دیگر، در سخنان اخیر فرماندهان سپاه، پاسداری از انقلاب اسلامی به معنای دفاع از موجودیت ایران اسلامی است و از هویت ملی ایران تعریف شده است و این گویای فراجناحی بودن سپاه پاسداران است. دفاع از کلیت کشور و هویت ملی ایران، به معنای دفاع از تمامیت ارضی، نظام سیاسی منتخب، تاریخ و فرهنگ، زبان و ارزش‌ها و آرمان‌های مردم است. برعهده گرفتن چنین مسئولیتی دغدغه بسیاری از نیروهای مذهبی و ملی در طول تاریخ معاصر ایران بوده است و اکنون فرماندهان سپاه در مقام دفاع از آرمان‌ها و ایده‌آل‌های تاریخی یک ملت قرار دارند.

3ـ نقش سپاه در حفظ کلیت و هویت ملی کشور، در دو ساحت معنا می‌یابد: اول، ساحت کلامی و گفتمانی و دوم، ساحت اجرایی و عملیاتی. روشن است که سخن گفتن از پاسداری سپاه از کلیت کشور، به معنای آشفتگی در عرصه عمل نیست؛ بلکه هرگونه اقدام سپاه در عرصه اقتصاد و اجتماع در چارچوب قوانین مصوب کشور بوده و در همین چارچوب هم نظارت و پاسخ‌گویی سپاه نسبت به اقدامات خود وجود داشته است. در عرصه کلامی و گفتمانی، زنده نگه داشتن آرمان‌ها و ارزش‌های ملت ایران در طول تاریخ پس از انقلاب اسلامی و رساندن این پیام‌ها به فراسوی مرزها، اقداماتی است که ارزش آنها در چارچوب تمدن‌سازی معنا می‌یابد. کشورها و ملت‌ها با ایده‌آل‌های خود زنده هستند و هرگاه این ارزش‌ها و آرمان‌ها از یک هویت ملی حذف شده یا خاموش شوند، دوران پایان یافتن حیات آن کشور و ملت فرا می‌رسد. آنچه درباره نقش سپاه در حفظ هویت و کلیت کشور گفته می‌شود، بیشتر ناظر به سطح کلامی و گفتمانی اقدامات سپاه است. موجودیت سپاه و حضور ارزشی آن در منطقه سبب شده است مؤلفه‌های هویت ملی ایران تقویت شوند و در فکر و فرهنگ کشورهای منطقه نیز ریشه دوانند و این خود بزرگ‌ترین بازدارندگی نظامی به شمار می‌آید.

4ـ در این وضعیت، آثار مخالفت‌های ناروا با سپاه پاسداران بیشتر مشخص می‌شود؛ به ویژه اینکه برخی از مخالفان داخلی می‌دانند تیشه بر ریشه‌ای می‌زنند که با آنان بیگانه نبوده و آنان نیز در پرورش سپاه دخیل بوده‌اند. مسئله مهم در اینجا چیزی بیشتر از نقد اقدامات اجرایی و عملیاتی سپاه است؛ چرا که اقدامات اجرایی سپاه طبق قوانین و مصوبات کشور صورت گرفته و اگر تخلفی هم در این میان وجود داشته است، می‌توان با مراجعه به اسناد و مدارک، آن را بررسی کرد. مسئله مهم اینکه قصد مخالفان، عمومی‌سازی انتقاد از سپاه و تضعیف و تخریب وجهه آن در افکار عمومی است که این موضوع زمینه فشارهای خارجی و تحریم سپاه از سوی کشورهای غربی را تسهیل کرده و حضور سپاه در ساحت کلامی ـ گفتمانی و اجرایی را مخدوش می‌کند. نتیجه این وضعیت، چیزی جز هزینه‌سازی برای کشور و ضربه زدن به کلیت کشور و هویت ملی نیست. این در حالی است که مواضع اخیر فرماندهان سپاه نشان می‌دهد، در فراسوی جنجال‌ها و گفتارهای مختلف، به هنگام حساس شدن وضعیت کشور، سپاه از سنگر اصالت سخن می‌گوید و خواهان حفظ اصول و مبانی هویت ملی کشور است که در آن منافع ملت و نظام و فرهنگ و تمدن ایرانی ـ اسلامی مستتر است.

**\*توسعه به چه قیمت**

بعد ازپایان جنگ دوم جهانی بسیاری از کشورهای افریقایی و آسیایی به استقلال رسیدند. این کشورها به دنبال الگویی بودند تا از طریق آن به مرتبه کشورهای توسعه یافته نائل آیند. امریکا نگران از آنکه این کشورها در مسیر دست یابی به توسعه در دامن شوروی گرفتار شوند ، عده ای از نخبگان و اندیشمندان رشته های مختلف علوم را به کار گرفت تا الگویی مهیا و مانع از قرار گرفتن جوامع تازه استقلال یافته در بلوک شرق گردد.

اولین الگوی پیشنهادی نوسازی بود که یک سیر خطی را به عنوان مسیر موفقیت کشورهای توسعه یافته ترسیم می نمود و به زبانی ساده خطاب به دول جهان سوم می گفت اگر خواهان توسعه هستید بایستی دقیقاً همان راهی رابروید که غرب رفته است باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شد بالاخص دین باید از سیاست کنار گذاشته شود.ازآن جایی که کشورها یکسان نیستند و تفاوت های قابل ملاحظه ای در ابعاد مختلف دارند گذر زمان ناکارآمدی این الگو را ثابت نمود.

الگوی دوم وابستگی قدیم نام گرفت.طرفداران معتقدند مادامی که وابسته هستیم نمیتوانیم توسعه یابیم لذا جانشینی واردات راهکارشان شد تا تلاش کنند به جای وارد کردن ، تولید کنند تنها آنچه را قادر به تولید آن نیستند و بدان نیاز دارند وارد کنند. در درستی این الگو شکی نیست اما « به عمل کار براید به سخنرانی نیست.» سختی کار، وابستگی به عنوان میراث استعمار، کارشکنی دولت های استعمارگر موجب شد این الگو ناکارآمد جلوه کند.گروهی دست به کارشدند تا الگوی دیگری ارائه کنند. حاصل تلاش آنها شد وابستگی جدید. دسته سوم رأی به ملازمت وابستگی و توسعه دادند.تقسیم کارجهانی و تخصصی شدن واژه هایی بود که توجیهات دسته اخیر را بزک غلیظی نمود تا عوام و خواص آن رابپذیرند .پیشرفت های ترکیه و مالزی سایر کشورهارا به وسوسه انداخت که این راه همان صراط مستقیم است غافل از آنکه وابستگی چه ضررهایی دارد. روزگار ترکیه بعد ازساقط کردن هواپیمای روسی و تحریم های روس ها و سرانجام عذرخواهی اردوغان عبرت آموز است.آغاز دهه ی 70شمسی،پایانی بود بر اتحاد جماهیر شوروی. الگوی توسعه ی شوروی به موزه های تاریخ سپرده شد و الگوهای غرب جان تازه ای یافت.کشور ما ایران از جنگی خانمان سوز فارغ شده بود و مسئولین به دنبال راهی برای جبران خرابی های جنگ. سردار سازندگی پیروز انتخابات ریاست جمهوری گردید و اطرافیان تکنوکرات به دنبال تحقق ژاپن اسلامی . هرچند مجلس سوم خیلی همران نبود.به مرور مدل های فکری غربی دردانشگاه های ما مطرح و طرفدارانی متعصب و سینه چاک پیدا کرد. جمعی که به راست مدرن شهرت یافته بودند شعار توسعه برگزیدند اواخر سال 74 منسجم شده نام کارگزاران سازندگی برخود نهادند اعلام موجودیت نموده به دنبالتحقق توسعه اقتصادی طرح تعدیل اقتصادی را از بانک جهانی و صندوق بین الملل پول اقتباس نموده ریش و قیچی به دست، تورمی 50 درصدی نتیجه اقداماتشان بود.دسته ای که مخالف گروه اول بودند و معروف به چپ های مدرن با شعارتقدم توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی پیروز انتخابات سال 76شده سرخوش و مغرور از این پیروزینام جبهه ی دوم خرداد بر خود نهادند دولت و مجلس را به دست گرقتند برای تحقق توسعه سیاسی تلاش روز افزون نمودند. در راستای توسعه سیاسی علی رغم آنکه قانون مطبوعات در مجلس پنجم به تازگی اصلاح شده بود بازهم در مجلس ششم پرونده ی آن را گشودند و روزنامه سلام آتش معرکه را افروخت و توقیف شد و دانشجویان در حمایت سلامکوی دانشگاه تهران 78 را رقم زدند. روشنفکران غرب پرست که وابستگی را اشکال نمی دانستند جام زهر به دست رهبر معظم انقلاب سپردند تا تسلیم امریکا شویمو ازسر تنبلی این گونه به توسعه برسند آن گاه که حاصلی نداشت همچون کودکان در پایان مجلس ششم استعفای دسته جمعی دادند بازهم نتیجه ای حاصل نشد. هشت سال ازقدرت برکنار بودند بسیاری در فتنه 88 خود را رسوا نمودند مدت ها به دور از قدرت به آسیب شناسی پرداختند. سال 92 چپ و راست مدرن که در اقلیت بودند متحد شده با اندک اختلافی پیروز انتخابات و باز شعار توسعه سر دادند.اما این بار با اولویتی متفاوت. کشور تحریم بود و تحقق وابستگی جدید ناممکن. مدعیان توسعه گرایی روابط خارجی را اولویت قرار دادند. محمد جواد ظریف به عنوان اولین وزیر دولت یازدهم معارفه شد بلافاصله پرونده هسته ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه منتقل شد.تیم مذاکره کننده دست به کار تا تحریم هارا رفع کند آن هم به هر قیمت حتی پر کردن قلب راکتور اراک با بتون. بردار رئیس جمهور نیزتیم هسته ای را همراهی میکرد تا مبادا خسته شوند و منصرف از مذاکره. برجام امضا شد جشن ها گرفتند و تبریک ها گفتند چرا که تَرک ها در ساختار تحریم آغاز شده بود ،همه چیز به دست خود دادیم تا تحریم برود اما کدخدا بد عهدی کرد و هرروز بهانه ای آورد.پس از مدت ها فشار ایمیلی و سفرهای وزیر و دیدار با موگرینی و سایرین امریکا همچنان مانع از تحقق برجام .خلاصه آنکه الگوی وابستگی جدید حضرات در این چهارسال برای کشور ثمری نداشت. این همه سفرپرهزینه به فرنگستان آن هم با خزانه خالی سخن مرحوم جلال آل احمد را یاد آورشد : «سفر ناصر الدین شاه به فرنگ تنها یک عایدی داشت آن هم ایستاده شاشیدن رجال دولت.»اکنون پایان دولت یازدهم نزدیک است. زمان آن رسیده دولت جدید به فکر الگوی جدیدی باشد با تیم جدید برای تحقق آن و چه الگویی بهتر از اقتصاد مقاومتی که در چندسال گذشته مورد تاکید سکان دار همیشه بیدار انقلاب بوده است.بایستی امیدواربود دولت جدید به دنبال توسعه باشد اما نه به هر قیمت. به جای دل بستن به کدخدای بد عهد چشم به جوانان داشته باشد شاهد کابینه ای جوان باشیم که از ظرفیت داخلی برای رونق تولید بهره می برد.

**\*داعش پس از عراق و سوریه کجا می‌رود**

داعشی‌ها 18 امارت را جزء امارت‌های خود اعلام کردند که از این 18 امارت، هشت امارت خارج از حوزه خلافتی‌، یعنی در مناطق غرب عراق و شرق سوریه است؛ از این میان چهار حوزه، کار انتقالات را از سال 94 شروع کرده‌اند.دو امارت‌ هم در آفریقا قرار دارد. براساس مباحث کلامی و اعتقادی‌ داعشی‌ها، مناطق خلافتی داعش باید در مناطق عربی باشد؛ به همین دلیل بنا است شورای مربوط به خلافت را به شهر سبط منتقل کنند. گفتنی است، اردیبهشت ماه سال 95 ابوبکرالبغدادی خودش به آنجا رفت و از آنها بیعت گرفت و به منطقه برگشت.

مناطق غرب و جنوب غربی لیبی، مناطق جنوبی تونس و جنوب شرقی الجزایر مناطق مورد علاقه آنها است که قرار است در این منطقه یک امارت به وجود آورند. میزان فروش نفتی که داعش از این حوزه در حال حاضر و در گذشته داشته، به مراتب بیشتر از نفتی بوده که از حوزه سوریه و عراق می‌فروخت؛ اما چه دلیلی داشت که این منطقه را برجسته کردند؟ به دلیل اینکه آن منطقه دیده نشود، الآن هم چیزی درباره‌اش نمی‌گویند. تقریباً به 30 درصد قیمت جهانی نفت، نفت می‌فروشند و درآمدهای قابل ملاحظه‌ای برای اینها به دست می‌آید. بیشتر کشورهای خریدار، از اروپای جنوبی و مرکزی هستند؛ یعنی یونان، ایتالیا، فرانسه، اسپانیا و پرتغال که انتقال آن هم به راحتی از دریای مدیترانه صورت می‌گیرد. در این منطقه قومی به اسم «قوم توارج»، وجود دارد که قبلاً هسته مرکزی ارتش لیبی هم اینها را تشکیل می‌دادند.

حوزه دوم آفریقا حوزه دریاچه تاد است؛ کشورهای کامرون و نیجر. در این منطقه قومی دیگری به نام قوم «تانوری»‌ وجود دارد، در گذشته یک انتقام‌گیری بزرگی داشتند، یک عقبه‌ای دارند، مردم محلی هم مخاطب آنها هستند، جریان بوکوحرام در مرکزیت این جریان قرار دارد که با ابوبکرالبغدادی بیعت کردند، البته بعداً براساس تبادل اطلاعاتی که صورت گرفت، فرانسوی‌ها نقطه دقیق بغدادی را پیدا کردند و هدف قرار دادند و شخص دیگری جایگزین او شد؛ اما در دیگر نقاط امارت سوم، امارت قفقاز است که تقریباً شامل همه جمهوری‌های مسلمان‌نشین قفقاز شمالی می‌شود؛ مانند جمهوری تاتارستان، داغستان، بالکان، چچن و...، اینجا هم تقریباً انتقالات را از ابتدای سال 95 شروع کردند. سرویس اطلاعاتی نیل این کار را انجام می‌داد و سرویس اطلاعاتی گرجستان کاملاً در این راستا هماهنگ بود که این کار برای تحت فشار قرار دادن روسیه صورت گرفت. مرکز امارت هم چچن است، اما در تبادل اطلاعات صورت گرفته تقریباً تیم اصلی که بنا بود این امارت را راه‌اندازی کنند، در حملات هوایی هدفمندی که روس‌ها و سوری‌ها به منطقه طبقه و دیرالزور انجام دادند، از بین رفتند و در حال حاضر این مرکزیت عملیاتی وجود ندارد.

چهارمین امارتی که وجود دارد، امارت خراسان است؛ این امارت در شمال افغانستان و جنوب ازبکستان و ترکمنستان قرار دارد و بخشی از خراسان رضوی ما را هم شامل می‌شود! به همین دلیل از ابتدای سال 95 نیروی زمینی سپاه مأموریت پیدا کرد که در مناطق مرزی استان‌های خراسان رضوی و خراسان جنوبی مستقر شود. بیش از دو هزار نفر از فرماندهان داعش به مناطق پاکستان، وزیرستان و بعد به داخل افغانستان منتقل شدند که این امارت را راه‌اندازی کنند. در فرایند جا‌به‌جایی ما از ظرفیت‌های مناسب گروه‌های جهادی افغانستان علیه تکفیری‌ها استفاده کردیم و توانستیم چهار عملیات عمده را در سال‌های 94 و 95 علیه اینها انجام بدهیم؛ یعنی حتی طالبان علیه داعش وارد عملیات شده و اجازه ندهد به مناطق شمالی بروند. این گروه فعلاً در مناطق مرزی افغانستان است؛ اما تضمین نمی‌کنیم در بلندمدت این قضیه دوام داشته باشد؛زیرا در حال حاضر تردد سرویس‌های عربی، به ویژه عربستان افزایش پیدا کرده و همزمان با حضور آنها این گروه‌ها بیشتر تقویت شده‌اند. یک تفاوتی هم طالبان افغانستان و داعش افغانستان دارد و آن اینکه طالبان افغانستان وقتی به منطقه‌ای وارد می‌شود. زکات می‌گیرد؛ اما داعش وقتی به منطقه‌ای وارد می‌شود، به دلیل عقبه ثروتمندی که دارد، به مردم پول می‌دهد.

**\*تحلیلی بر دیدار روحانی و فرماندهان ارشد سپاه**

ديدار فرماندهان ارشد سپاه پاسداران با دكتر روحاني، رياست محترم جمهوري اسلامي ايران خبر اصلي و اول فضاي رسانه اي در تاريخ دوم مرداد بود. ديداري كه در اين زمان؛ براي كشور و نظام جمهوري اسلامي فوق العاده راهبردي و حياتي به حساب مي آمد. در زمان انتخابات و در بحبوحه تبليغات انتخاباتي فضایی شکل گرفت که برای مخاطبین چنین متصور بود که شكافي خطرناك، بين قوه مجريه و نهادهاي انقلابي كشور به ويژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامي شكل گرفته است. ادامه این فضای روانی دلسوزان انقلاب و نظام را نسبت به پیامدهای آن نگران ساخته بود؛ به ویژه آنکه طعنه ها و كنايه هايي از سوي دولت به سپاه پاسداران وارد شد، فعاليت هاي موشكي مورد بحث واقع شد و در نهايت بعد از انتخابات نيز اين رويه ادامه پيدا كرد و با هجمه به فعاليت هاي سازندگي سپاه به اوج خود رسيد و نگرانی ها نسبت به اساسی بودن اين شكاف بیشتر کرد.

اين فضاي دوقطبي با تحریک رسانه های معاند و از جمله در شبکه مجازی توسط دشمن تقویت و ترویج شد به گونه ای که در بين مردم نيز به یک دغدغه و نگرانی دائمی تبدیل شده بود و از این بابت انرژي و وقت مردم و نظام به مسائلي معطوف شد كه نه تنها هيچ كمكي به رشد و توسعه كشور نمي كرد بلكه اثرات زيان باري را نيز به دنبال داشت.

در همين احوال بود كه در خارج از كشور نيز اقدامات خصمانه توسط دشمنان ادامه يافت و سناي آمريكا تحريم هاي معروف به اس 722 را وضع نمود كه بر اساس اين تحريم ها سپاه پاسداران ذيل سازمان تروريستي قرار مي گرفت و محدوديت هاي جدي نيز براي فعاليت هاي اقتصادي اين نهاد و شركت هاي همكار وضع مي شد.

در اين شرايط حساس ملي و حتي جهاني اقدامي لازم بود كه اولا شكاف و دوقطبي خطرناكي كه در داخل كشور شكل متصور بود ترميم شود و نهادهاي داخل جمهوري اسلامي به سمت همگرايي هرچه بيشتر پيش روند و دوما پيامي برا ي دشمنان در خارج از كشور باشد كه جمهوري اسلامي مصمم تر از هميشه در جهت اهداف بلند انقلاب اسلامي حركت خواهد كرد و در اين ميان، اندك اختلافات داخلي تاثيري در آرمان بلند جمهوري اسلامي نخواهند داشت.

در این میان لازم است قدر این انسجام ایجاد شده بیش از پیش دانسته شود و هم دولت محترم و هم سایر نهادها به ویژه سپاه پاسداران با همکاری و تعامل یکدیگر در تلاش برای حل مشکلات اساسی مردم گام بردارد.

پرسمان سیاسی

1- چرا شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها بعضاً مماشات می‌کند؟ و مردم باید تاوان آن را پس بدهند؟

در طی دوره‌های گوناگون، ‌همواره گروههای مختلف سیاسی از دید خود درباره شورای نگهبان قضاوت می‌کردند و بر این اساس نقدها و انتظارات خود را بیان می‌داشتند. اما واقعیت آن است که عملکرد شورای نگهبان نشان می‌دهد که بر اساس یک سازوکار تعیین شده عمل می‌کردند و نقدهای دو طیف سیاسی کشور نشان می‌دهد که این سازوکار نسبتاً ثابت و فرا حزبی بوده است.

نکته دیگر اینکه شورای نگهبان بارها اعلام کرده، کسانی را که تایید صلاحیت کرده، دارای حداقل صلاحیت‌ها برای عهده دار شدن نمایندگی است و مردم در بررسی هایشان باید فردی را که صلاحیت‌های حداکثری دارد انتخاب نمایند.به عبارتی دیگر، بر اساس سازوکار پیش بینی شده در ساختار جمهوری اسلامی در خصوص انتخاب اصلح یک فرآیند دو مرحله‌ای پیش‌بینی شده است. به این معنا که برخی از صلاحیت‌های عمومی و کلی که حداقل آن صلاحیت ها محسوب می‌شود به عهده شورای نگهبان است و بخش دیگر آن در اختیار مردم است که با نگاه جزئی تر و موشکافانه تر در این فرآیند ایفای نقش نمایند.

2-چرا برخي از اصلاح طلبان درون نظام، نقش اپوزيسيون نظام را برعهده مي گيرند ؟ شيوه برخورد با اين گروه چگونه مي تواند باشد؟

اگر بخواهيم علت برخي رفتارهاي شبه اپوزيسيوني و يا ساختارشكنانه برخي گروههای اصلاح‌طلبی در نظام را تحليل كنيم، مي‌توان به دو علت کلان گفتمانی و چهار علت در حوزه کنش سیاسی اشاره نمود‌:

**الف) دلائل کلان و گفتمانی**

1- به نظر می‌رسد یکی از دلائل اصلی این وضعیت به نبود تعریف واحد و مشخص از اصلاح طلبی در ایران برمی‌گردد که تاکنون هیچکدام از گروهها و افراد شناخته شده این جریان تعریف مشخصی از اصلاح‌طلبی ارائه نکرده و همین وضعیت، آشفتگی گفتمانی و رفتاری را در این طیف سیاسی بوجود آورده است. هرچند برخی عملکردها و اظهارات افراد و گروههای این طیف نشان می‌دهد که دامنه اصلاح طلبی بسیار وسیع بوده اما قائل به رعایت برخی خطوط قرمز و چارچوب‌های دینی و قانونی کشور نیستند.

2- نکته دوم به گفتمان و باورهای اعتقادی و سیاسی این طیف سیاسی برمی‌گردد. گسترش اصلاح طلبی به بسیاری از افراد و گروههای سیاسی سبب شده است تا افکار و باورهای متعارض با گفتمان اسلام فقاهتی و قانون اساسی در این مجموعه سیاسی راه یابد، معتبر شناخته شود و بر رفتار و عملکرد دیگر عناصر و بازیگران سیاسی این طیف سیاسی تأثیر بگذارد.

**ب) دلائل مطرح شده در حوزه کنش سیاسی**

تغيير دستگاه محاسباتي افراد: ممكن است افرادي در ظاهر به انقلاب و ارزش‌ها پايبند باشند، ولي دستگاه محاسباتي آنها بعلت شرايط زمانی و مکانی با تغييراتي مواجه شده باشد.

1-گذار از تفكر انقلابي: برخي نيروهاي شبه اپوزيسيوني موجود در نظام، ممكن است به هر دليلي از انديشه و رفتار انقلابي اوليه خود عدول كرده باشند.

2-عدم وجود تقواي جمعي در جريانات سياسي: برخي افراد ممكن است در خصائل فردي خود داراي تقوا باشند، اما ممكن است قرار گرفتن در دسته‌جات سياسي، اين تقواي فردي تحت الشعاع قرار گرفته و آنها را به انحراف بکشاند. بعنوان نمونه، بخشي از بيانات رهبر معظم انقلاب در 8 خرداد 90 دال بر نبود تقواي جمعي است.

3-كسب قدرت بعنوان هدف اصلي: وقتي كسب قدرت به اولويت و هدف اصلي جرياني مبدل شود با دو آسيب همراه خواهد شد كه آسيب اول عمل‌گرايي محض يا پراگماتيك عمل كردن است و آسيب دوم بی‌توجهی به اعتقادات و اخلاق در مناسبات سياسي است.

بنابراین بي شك وظيفه نيروهاي انقلابي- در مقابله با اين جريان‌ها- حضور فعالانه در صحنه اجتماعی و سیاسی و نیز روشنگري و بصيرت افزايي است، البته به یقین، اگر گروهي بخواهد با ژست اپوزیسیونی منافع و امنيت ملي و اسلامي را به خطر انداخته و در عین حال از مواهب حضور قدرت بهره‌مند باشند، در بلند مدت به نفاق سیاسی متهم خواهند شد

3- اگر دليل پيشرفت ژاپن در اختيار داشتن امكانات غرب است، دليل مخالفت مذاكره با غرب چيست ؟

اتفاقاً نکته اصلی این است که علت اصلي پيشرفت ژاپن ارتباط با غرب نبوده است که اکنون بخواهیم بر اساس آن برای کشورهای دیگر چنین نسخه‌ای تجویز کنیم. چرا كه اگر قرار بود كشوري بواسطه ارتباط با غرب پيشرفت کند، كشوري مانند؛ مصر نيز بايد در زمره كشورهاي پيشرفته دسته‌بندي مي‌شد. بنابراین بخش اعظمي از علت پيشرفت ژاپني‌ها حاصل سخت‌كوشي و فعال ساختن ظرفیت ملی و بومی آنهاست. ژاپني‌ها بعد از جنگ جهاني دوم، بيش از چهارده ساعت كار مفيد انجام می‌دادند تا بتوانند كشور خود را آباد سازند. متوسط ساعات كار ژاپني ها در سال 1983 ميلادي، 2152 ساعت در سال بود که در نوع خود بالاترين ميزان فعاليت در مقياس جهاني بشمار می‌آمد. از سويي ديگر نوع فرهنگ کاری وسازمانی، مديريت و ... ژاپني ها در پيشرفت آنها تاثير گذاشته است. ماسوشيتا نويسنده ژاپني كتاب"نه براي لقمه‌اي نان"مي‌گويد: " همه تلاش آنان براي يك لقمه نان نيست ، بلكه براي رشد و پيشرفت ژاپن است."

از طرفي بخشي از عوامل عدم پیشرفت کشور، نه بخاطر عدم ارتباط با غرب، بلكه بالعكس بعلت سلطه غربی‌ها در قرون معاصر و استضعاف و استعمارگری‌هایی است كه بر كشور روا داشته‌اند.

4- چرا آقای روحانی نقد می‌شود، مگر مورد تایید نظام و رئیس جمهوری قانونی جمهوری اسلامی نیست؟

نقد روحانی و عملکرد وی در مقام ریاست جمهوری با تایید نظام هیچ تعارضی با یکدیگر ندارند. با این استدلال که هر کسی که مورد تایید نظام است، نباید نقد شود، هیچکدام از مسئولان نظام نباید نقد شوند. از نمایندگان مجلس گرفته تا مسئولان قوه قضائیه و دیگر نهادها و همینطور دولت. نظام شخص را تایید کرده که در مسئولیتی قرار بگیرد و به مردم خدمت کند، اما عملکرد و آینده او را تضمین نکرده است.

به غیر از معصومین(ع)، هیچ شخص دیگری مصون از خطا و اشتباه نیست، در این صورت گوشزد کردن خطاها و اشکالات حق مردم است. ضمن اینکه نقد کردن نه تنها به معنای تضعیف دولت و مسئولان نخواهد بود، بلکه بهترین کمک و هدیه به آنان برای تصحیح مسیر و موفقیت نیز خواهد بود. ضمن آنکه حضرت امیرالمومنین(ع) نیز نقد حاکمان و مسئولان را حق مردم می‌دانند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در ارتباط با نقد نظرات روشنی دارند. از جمله در دیدار دانشجویان در سال 86 می‌فرمایند: «اعتراض به نظرات خاص رهبری، ضدیت با رهبری نیست. دشمنی نباید کرد... رد کردن حرف، به معنای مخالفت کردن، به معنای ضدیت کردن نیست؛ این مفاهیم را باید از هم جدا کرد... اینکه ما گفتیم گاهی اوقات معارضه با مسئولان کشور نشود- که الان هم همین را تأکید می‌کنیم؛ معارضه نباید بشود - این به معنای انتقاد نکردن نیست؛ به معنای مطالبه نکردن نیست؛ درباره رهبری هم همین جور است».

می‌توان نتیجه گرفت که انتقاد کردن از آقای روحانی و دولت ایشان بلا اشکال است، اما آنچه اشکال دارد، تخریب و تضعیف دولتی است که در نظام اسلامی شکل گرفته و مورد تایید مردم و ولی فقیه قرار گرفته است.

5- دلیل اصلی برخی تمایلات و گرایش‌های به غرب در سیاست خارجی دولت یازدهم چیست؟

دیدگاه حاکم بر دستگاه دیپلماسی ایران، مبتنی بر دیدگاه واقع گرایی در نظام بین الملل است که این دیدگاه ظرفیت ایران را تنها بعنوان یک بازیگر عادی و با ظرفیت و توانی محدود در نظام بین الملل تعریف کرده است. این دیدگاه می خواهد در چارچوب ساختارهای نظام بین الملل و پذیرش استانداردهای نظام بین الملل، هر چند که در تعارض با آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران باشد، تصویری نرمال و عادی از ایران در نظام بین الملل بسازد و به گمان خود راهکار برون رفت از چالش‌های سیاسی و اقتصادی، تنها از رهگذر عادی سازی روابط با قدرت‌های سلطه گر را میسر می‌داند. به همین منظور، چنین افرادی منافع ملی در منطقه و جهان را در گرو عادی سازی روابط خود با غرب می بینند و برخی کم‌توجهی‌ها به ظرفیت‌های منطقه‌ای و جبهه مقاومت در این خصوص قابل تحلیل است. بنابراین تا زمانی که توجه دولت و دستگاه دیپلماسی بر این امر بنا باشد، پتانسیل‌های منطقه‌ای که می‌تواند برای ما تولید قدرت و عزت ملی کند، عملا نادیده گرفته می شود. در عوض، برخی تلاش‌های داخلی برای پذیرش کنوانسیون‌های بین المللی متأثر از سیاست و رویکردی است که معتقد است ایران باید در چارچوب قواعد جهانی حرکت کند و به دنیا این پیام را بدهد که آمادگی دارد به عنوان یک واحد سیاسی بین‌المللی رفتارهای نرمال و استاندارد داشته باشد.

6- در حال حاضرآخرین وضعیت مراکز هسته‌ای نظنز و فردو چگونه است؟

**1- مرکز هسته‌ای فردو**

قبل از برجام، مرکز فردو با 16 آبشار 174سویی سانتریفیوژ از نسلIR1 نصب و در حال فعالیت بود که از این میزان آبشار(تا قبل از مرحله اول مذاکرات و توافق ژنو در سال92)، چهار آبشار به تولید اورانیوم با غنای 20 درصد مشغول بود. اما بعد از توافق ژنو، روند غنی سازی 20 درصد متوقف و برای جلوگیری از تولید آن اتصالات آبشارها جدا گردید و فقط غنی سازی 5 درصد صورت می گرفت.

از زمانی که ایران اقدام به تولید اورانیوم با غنای 20 درصد کرد(از سال 1390)، توانسته بود 416 کیلوگرم اورانیوم تولید کند که تقریبا نصف آن را تبدیل به کیک زرد U3O8)) و مابقی، در حدود 196 کیلوگرم را نیز بر اساس توافق ژنو رقیق نمود. اما بر اساس برجام و آنچه در متن آن آمده بود، در فردو 1044 ماشین معادل 6 زنجیره مجوز نصب داشتند که البته بدون تزریق گاز شکافت پذیر (هگزا فلوراید اورانیوم ) به داخل سانتریفیوژها می‌توانستند درحال چرخش باشند.

از این شش آبشار باقی مانده در فردو، دو آبشار برای تولید ایزوتپ های پایدار برای مصارف پزشکی قابل استفاده می‌باشند که تا به امروز گزارشی مبنی بر تولید ایزوتپ های پایدار در این مرکز منتشر نشده و اینگونه مطرح می‌کنند که در حال حاضر با مذاکراتی که با طرف روسی صورت گرفته مطالعات و زیر ساخت های آن در دست پیگیری است. در نتیجه باید اینگونه برداشت کرد که عملاً فردو تا پایان زمان توافق هسته ای کاربری غیر هسته ای دارد.

**2- مرکز هسته‌ای نطنز**

در نطنز نیز دو سالن دستگاه A و B وجود داشت که طبق برجام، تعداد ماشین‌های این سایت به 5060 ماشین کاهش پیدا کرد و در حال حاضر این تعداد سانتریفیوژ در زنجیره های 164 سویی مشغول فعالیت هستند و اورانیوم با غنای 5 درصد تولید می کنند. همچنین مابقی ماشین‌ها، زیر ساخت‌ها، زنجیره تامین، کارگاه های مونتاژو تولید رتور مازاد بر5060 ماشین نیز جمع آوری شده و به صورت دپویی پلمپ شده است.

در نطنز نیز تا قبل از توافق ژنو در سال 92، عملا دو آبشار تولید اورانیوم با غنای 20 درصد فعالیت می کرد که برابر این توافق نیز روند آن متوقف شد. همچنین افرادی هم که در سایت‌های فردو و نطنز مشغول بکار بودند تا سطحی که مورد نیاز امروز این تاسیسات است تعدیل شده اند.

7- آیا در اقتصاد پرمسئله و مشکل ایران امکان اجرای اقتصاد مقاومتی وجود دارد؟

**بله؛ کاملا امکانپذیر است زیرا:**

۱- سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را مسئولان، متخصصان و کارشناسان اقتصادی با اشراف به وضعیت اقتصادی کشور و بعد از صدها ساعت هم‌فکری و مشورت تدوین کرده‌ و نهایتاً رهبری معظم تایید و ابلاغ فرموده‌اند.

2- بعد از ابلاغ این سیاست‌ها، هیچ اقتصاددانی امکان تحقق آن را رد نکرده است، هر چند اذعان دارند که در مرحله عمل، کاری سخت، اما شدنی است.

۳- پیش نیاز تحقق اقتصاد مقاومتی دو موضوع کلان و بسیار مهم است که هر دو ذهنی هستند و تا این دو موضوع به صورت اجماع میان ملت و مسئولان محقق نشود، کار اقتصاد مقاومتی به سامان نمی‌رسد. این موضوعات عبارتند از:

**الف- باور به وجود یک دشمن جدی و قسم خورده که امروز همه توان و نیروی خود و یارانش را برای سرنگونی جمهوری اسلامی بسیج کرده و هجمه اقتصادی را در اولویت اول خود قرارداده است:** متاسفانه امروز در این موضوع اجماع حاصل نشده و برخی مسئولین آنطور که باید و شاید دشمنی و هدف نظام سلطه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی را باور ندارند.

**ب- باور به وجود استعداد، پتانسیل و ظرفیت فراوان داخلی برای مقابله با این دشمن:** امام راحل فرمودند؛ «عمده این است که ما باور کنیم که می‌توانیم». این باور به توانستن در تحریم‌های تسلیحاتی از ابتدای انقلاب تا کنون به بهترین وجه ممکن خود را نشان داده است و ایران که حتی در گذشته سیم خاردار را وارد می‌کرد، نه تنها با اتکا به دانش بومی، یک قدرت موشکی جهانی به شمار می‌رود، بلکه به صادرکننده تسلیحات به ۴۳ کشور دنیا نیز تبدیل شده است. صنعت هسته‌ای، نانو فناوری، صنعت سدسازی، پزشکی و شبیه سازی و... نیز مصادیق بارز این خواستن و توانستن هستند. با این اوصاف آیا ظرفیت‌های فراوان اقتصادی کشور(نیروی انسانی نخبه، منابع معدنی و طبیعی فراوان و بعضاً استثنایی، موقعیت جغرافیایی، اقلیم ۴ فصل، شرکت‌های دانش‌بنیان، نیروی کار ارزان و ...) نمی‌تواند اقتصاد مقاومتی را محقق سازد؟

۴- تجربه ۳۸ ساله انقلاب، به همراه تجربه برخی کشورها که از وابستگی اقتصادی به قدرت‌ها لطمه دیده‌اند و نیز تلاطم‌های اقتصادی جهانی غیر قابل پیش بینی، مسائلی هستند که لزوم حرکت جدی و عملی به سمت اقتصاد مقاومتی را به ما گوشزد می‌کنند.

8- سند2030 چیست؟ و چرا ایران با آن مخالف است؟

این سند آموزشی بخشی از برنامه کلان سازمان ملل متحد می باشد که با نفوذ قدرت‌های بزرگ در سال 2015 به تصویب این سازمان رسید. مهمترین مؤلفه های آن عبارتند از: برابری و فراگیر بودن، دسترسی برابر، کیفیت آموزش و یادگیری مادام العمر. در واقع هدف این سند تقویت و شکل دهی ذهن کودکان و نوجوانان کشور به سمتی است که نظام جهانی و امپریالیسم خواهان آن هستند. همچنین این سند به نوعی در صدد جهانی سازی است که در آن فرهنگ نظام اسلامی به فراموشی سپرده شده و فقط فرهنگ و گفتمان کشورهای غربی مطرح و اجرا می شود.

لذا دلایل مخالفت با سند 2030 به علت برخی جزئیات و بند های آن می‌باشدکه با اسناد بالادستی و همچنین فرهنگ اسلامی و ایرانی مغایرت دارد که عبارتند از:

1- برابری زن و مرد در آموزش: علی رغم آنکه این مسئله در فرهنگ و اسناد آموزشی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، اما در این سند به مواردی مانند تغییر کتب درسی با هدف حذف نقش‌ مادری، همسری و یکسان نشان دادن زن و مرد در همه عرصه‌ها اشاره شده است.

2- نفوذ افکار و جریان‌های غیر دینی: از عوامل اصلی مخالفت و انتقاد با این سند، غیر اسلامی و غیر دینی بودن آموزش در ایران است. روح و برخی از عبارت‌های این سند حاکی از این است که نباید مبانی دینی در کتب و آموزه‌های آموزشی گنجانده شود.

3- نظارت و دخالت خارجی: با این سند زمینه نفوذ غرب در ایران فراهم می‌شود. در واقع کارشناسان معتقدند، به دلیل اینکه یونسکو می‌تواند متأثر از برخی نهادها و سازمان‌های سلطه گر غربی باشد و آنها از این طریق می‌توانند به داخل ایران نفوذ کنند، با این سند مخالفت کردند.

4- اما به نظر می‌رسد مهمترین اشکال سند2030 از سوی رهبر معظم انقلاب بیان شده است. ایشان تأکید کردند که صرف نظر از اشکالات محتوای این سند، اینکه یک سازمان جهانی نقشه راه و نظام آموزش و پرورش ایران را معین کند با استقلال فرهنگی و سیاسی کشور منافات دارد. ضمن اینکه رهبری معظم تاکید داشتند؛ در حالی که سند طرح تحول آموزش و پرورش ایران به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است و اجرائی نمی‌شود، تلاش برای تصویب واجرا کردن یک سند که منشأ خارجی دارد، چه معنی‌ای دارد؟!

9- چرا رهبري جلوي مفاسد اقتصادی و اختلاس‌ها را نمی‌گيرد ؟

مفاسد و تخلفات اقتصادي بعضاً محصول ساختار معيوب اقتصادي، فرهنگي، اجتماعي، سياسي و ... است كه در طول زمان و به تدريج شكل گرفته است؛ لذا از بين بردن برخي مفاسد جز با برنامه‌ریزی و داشتن اراده قاطعانه و با از بين بردن برخي موانع و تغيير و اصلاح برخي ساختارها امكانپذير نمي باشد. از سويي دیگر، بخشي از راهكار و وظيفه اصلاحي به عهده دستگاه‌های اجرایی، نظارتی و قضائی گذاشته شده است تا در حوزه قانون‌گذاري،‌ اجرایی و قضائی پیشگیری‌های لازم بعمل آید و برخوردهای لازم صورت پذیرد.

همچنین درباره نقش رهبري در مقابله با مفاسد هم بايد مطرح نمود که، نقش رهبري تعيين خطوط كلي سياست داخلي و خارجي جهت اجرا است. لذا همانگونه كه معظم له در سخنراني خود در 24 مهر 90 فرمودند؛"خیلی از تصمیم‌های اقتصادی ممکن است گرفته شود، رهبری قبول هم نداشته باشد، اما دخالت نمی‌کند؛ مسئولینی دارد، مسئولینش باید عمل کنند. بله، آنجائی که اتخاذ یک سیاستی منتهی خواهد شد به کج شدن راه انقلاب، رهبری مسئولیت پیدا می‌کند". البته بايد توجه داشت، ورود رهبري در برخي مسائل جزئي علاوه بر زير سئوال رفتن شأنيت اين جايگاه، باعث ايجاد شبهه مبني بر استبدادي شدن حاكميت خواهد گرديد. نكته ديگري هم كه بايد مد نظر داشت، برخي حركت‌هاي مشكوك رسانه‌اي است كه نوک پیکان همه مشكلات و معضلات اجتماعي را به سمت جايگاه"ولايت فقيه" نشانه گيري مي‌كند تا به نوعي اين جايگاه و اصل نظام را به ناكارآمدي متهم نمايد.

بر همین اساس رهبر انقلاب بارها و با تأکید فراوان بر اهمیت مقابله با مفاسد اقتصادی به مسئولان امر توصیه‌های لازم را صادر کرده‌اند. ایشان دو سال قبل در پاسخ به دعوت دولت برای سخنرانی در همایش مقابله با مفاسد اداری فرمودند؛‌ برای بنده مشخص نیست که آیا برگزاری این همایش،‌ مشکلات و مفاسد را برطرف خواهد کرد یا خیر؟! در این زمینه باید در عمل اقدام لازم صورت پذیرد.

10- توضیح دهید که آیا فعالیت های جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی پس از انتخابات نیز ادامه پیدا خواهد کرد؟

واقعیت این است که درباره ادامه و نحوه فعالیت جمنا در دوره بعد از انتخابات دو روایت منتشر شده است. روایت اول را بخشی از موسسین و اعضای شورای مرکزی جمنا اعلام کرده اند که نتیجه انتخابات تاثیری در ادامه فعالیت های جمنا نخواهد داشت و کار و فعالیت ما متوقف نخواهد شد.آنها این را نیز گفته اند که فعالیت جبهه مردمی همانگونه که از اول هم اعلام کرده بودیم صرفا معطوف به انتخابات نبوده و فعالیتی دائمی است. کما اینکه در آخرین جلسه هیئت موسس جمنا تصمیم گرفته شد سند راهبردی فعالیت این جبهه تدوین شود.

روایت دوم نیز از سوی رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری مطرح شده است.این جبهه که متشکل از17حزب و گروه اصولگراست،در انتخابات اخیر ریاست جمهوری در بیانیه ای رسما از جمنا و کاندیدای نهایی جمنا حمایت کردند.حال رئیس این مجموعه اصولگرایی اعلام کرده که معلوم نیست ما در آینده از جمنا حمایت کنیم و بایستی در سازوکار تشکیلاتی اصولگرایی تجدید نظر صورت گیرد. حال باید منتظر ماند که کدام یک از این دو دیدگاه در عمل شکل واقعی تری به خود خواهد گرفت.

11- اخیرا یک بیانیه از سوی حماس صادر شد که تلقی سازش با اسراییل از آن به عمل امد ماجرا چه بود؟

حماس تحت فشار قطر و ترکیه مواضع خود را تعدیل و بنوعی به مواضع فتح نزدیک شد. ولی اسرائیل آنرا بلوف و برای بدست آوردن دل غرب تلقی و مورد بی اعتنایی قرار داد. ترکیه و مصر و قطر تلاش کردند که بین حماس و فتح سازش و بنوعی بین گروه های فلسطینی وحدت ایجاد کنند و مواضع فلسطین را در روند مذاکرات با اسرائیل تقویت کنند...حماس نیز در همین راستا بیانیه مزبور را صادر کرد. درباره مواضع مصر نیز در این زمینه گفتنی است که دولت مصر در سالهای گذشته تلاش کرد که حماس و الفتح را گردهم آورد و چند نشست را در قاهره و شرم الشیخ برگزار کرد،بخصوص بعد از بحران سوریه و خروج حماس از سوریه.مصر در دوره جدید سعی می کند گروههای سیاسی در فلسطین را به سمت خود بکشاند و به نوعی جای پای خود را در معادلات سیاسی فلسطین معین نماید.

12- استراتژی ایران در مقابل نقض برجام از سوی آمریکا چگونه خواهد بود؟

در متن برجام و در مواجهه با نقض برجام از سوی اعضای 5+1، اصطلاحی موسوم به (ماشه)به کار رفته است که اگر نگاهی واقع بینانه به این اصطلاح وجود داشته باشد، این مکانیزم نمی تواند الزام آور و طرف مقابل را ملزم به انجام تکالیف خود کند. حتی پیگیری آن به اندازه‌ای سخت و پیچیده و پر ریسک است که حتی در انتها ممکن است منتج به بازگشت کلیه تحریم‌های مرتبط با هسته ای شورای امنیت سازمان ملل نیز گردد. لذا بعید به نظر می‌رسد تا از سازوکار درونی برجام راه حلی بدست‌ آید. اما اعتراض کردن و پیگیری بدعهدی های آمریکا در داخل و خارج از کشور، از طریق سازمان‌های بین المللی و انعکاس به افکار عمومی جهان، می تواند هزینه تحریم‌های بیشتر را برای امریکا افزایش دهد و از پروژه اجماع سازی آمریکا علیه ایران در حوزه های هسته‌ای و غیر هسته‌ای جلوگیری نماید و مانع از فضا سازی آمریکا علیه ایران شود. اما قرائن نشان می دهد دولت برنامه‌ای معین و مدون جهت مقابله موثر با اقدامات خصمانه آمریکا ندارد و به نظر می رسد می خواهد از طریق ایجاد موازنه‌سازی و ایجاد شکاف در درون 5+1 برجام را حفظ کرده و اهداف آن را محقق سازد. یعنی عملا دولت می خواهد با باز کردن پای کشورهای اروپایی و شرکت های بزرگ نفتی و غیر نفتی ضمانت بقا و تحقق اهداف برجام را فراهم نماید و در این خصوص انعقاد قراردادهای پرشائبه بوئینگ، ایرباس، شرکت های خودرو سازی اروپائی و شرکت‌های نفتی از جمله توتال را در این چارچوب قرار دهد. این توازن سازی که به نوعی با برخی غفلت‌ها نیز همراه می‌باشد، اقدامی است با این عنوان که اگر طرف آمریکایی بدعهدی کند که می‌کند، با دادن امتیازات اقتصادی و تشویق طرف اروپایی پای آنها را به اقتصاد ایران باز نمایند تا آنها به طمع حفظ منافع اقتصادی خود در ایران هم که شده، متعهد به اجرای آن بخش برجام که آمریکایی‌ها حاضر به انجام تکالیف خود نیستند، باشند. در نتیجه این رویکرد نشان می‌دهد برجام تاکنون ناکارآمد بوده و خود می تواند پاشنه آشیل دولت باشد. در این مسئله نکته مهمی که ضروری است به آن پرداخته شود این است که دولت می‌تواند برای رهایی از محدودیت هایی که آمریکا در فرایند گردش مالی و پولی در بانک‌های جهانی برای ایران ایجاد خواهد کرد از طریق جایگزینی ارزهای دیگر به جای دلار، اقدام متقابل انجام دهد. بعنوان مثال، بیشتر حجم مبادلات ایران با کشورهایی مانند؛ ترکیه، چین، هند وامارات است که به راحتی می تواند با حذف دلار از مبادلات تجاری، با این کشورها و جایگزینی ارزهای ملی دو کشور اقدام متقابل نماید. البته این روش نیاز به بسترهای مناسب دارد که تاکنون، اقدامی برای آن صورت نگرفته، زیرا رویکرد دولت در سیاست خارجی نگاه به غرب است و اراده ای برای آن دیده نمی شود. اما قطعاً برای جلوگیری از فشارهای آمریکا، روی آوردن به آن می‌تواند کارگشا باشد.

13- آیا ترامپ توافق هسته ای را به خطر خواهد انداخت؟

آمریکایی‌ها همیشه حساب‌گر بوده و در تصمیمات‌شان سود و زیان را در نظر می گیرند. لذا در حال حاضر برای ترامپ و دولت آمریکا سود حفظ برجام بیش از ضرر آن است. آنها وانمود می‌کنند که برجام بعنوان یک توافق بد می‌باشد و آن را پاره می‌کنند و زیرا میراثی از سوی دموکرات‌ها است، اما این اظهار نظرها بیشتر مصرف داخلی دارد. آنها همچنین وانمود می کنند که پایه های برجام سست است تا بتوانند با این ترفند، فشار علیه ایران را نیز افزایش دهند. در نتیجه بعید به نظر می‌رسد مدلی که توانسته از ایران امتیاز بگیرد را بر هم بزنند. زیرا از یک سو، بدون صرف هزینه، ایران را ملزم به پذیرش تکالیفی بیشتر و حقوق کمتر نموده و از سویی دیگر آمریکا نیز به تعهدات خود عمل نکرده است.

به نظر می رسد آمریکا به دنبال بر هم زدن شکلی برجام نیست و اتفاقاً می خواهد از نارسایی ها و خلاءهای درونی برجام، معماری تحریم‌ها را حفظ و حتی در حوزه های غیر هسته ای نیز تشدید نماید تا ایران همواره در حالتی از انفعال قرار گیرد و برای دستیابی به اهداف درون متنی برجام، به طور دائم امتیاز بدهد.آمریکایی‌ها معتقدند ایران دو راه حل بیشتر ندارد؛ یا در مقابل فشارهای داخلی، ناچار شود برجام را بر هم بزند که در این صورت فرصتی فراهم خواهد شد تا اجماعی جهانی علیه ایران صورت دهد و مجدداً فرآیند تحریم‌های بیشتر برای عملیاتی کردن پروژه"تغییر از درون" بر ایران را اعمال نماید. یا اینکه اگر ایران حاضر نباشد برجام را بر هم بزند با افزایش تحریم‌ها زمینه بازگشت ایران به مذاکرات غیر هسته ای و امتیاز گیری بیشتر از ایران را فراهم آورد. لذا این تنها راهی است که به زعم آنها فعلاً تیم ترامپ می‌تواند رفتار ایران را نرمال نماید.

14-دلیل اینکه آمریکا سپاه پاسداران را در زمره گروه های تروریستی قرارداد چیست؟چه هدفی را دنبال می کنند؟

غربی‌ها و در رأس آنها امریکا، به این جمع بندی رسیدند که یکی از عوامل اصلی شکست طرح‌ها و راهبردهای عملیاتی آنها علیه استمرار نظام جمهوری اسلامی در محیط داخل، سپاه پاسداران بوده و در صحنه بین الملل نیز سپاه با حضور پر رنگ و موثر خود در سوریه و عراق، عامل عدم موفقیت داعش در غرب آسیا بوده است و به طور کلی آمریکا سپاه را مانع از عملیاتی شدن پروژه‌های خود در منطقه خاورمیانه و حتی محیط داخلی ایران می‌داند. به همین دلیل آمریکا در تلاش است به هر قیمتی که شده، در جهت تضعیف و تخریب سپاه تمام تلاش خود را انجام دهد. در همین راستا طرح قرار دادن سپاه در لیست سازمان‌های تروریستی در دستور کار گنگره امریکا قرار گرفت. البته در راه تصویب آن یک اشکال وجود دارد و آن این که سپاه مهمترین نیروی نظامی‌ای است که علیه داعش می جنگد و این یک تناقض آشکار در سیاست خارجی آمریکا به حساب می‌آید از این رو به ناچار سپاه را به عنوان حامی تروریسم قلمداد کرده و برای محدود سازی نقش سپاه در داخل و خارج و همچنین معرفی آن به افکار عمومی به عنوان مقصر فشار ها بر کشور، این بازی را ادامه دادند.

15- آیا مواضع اروپا به ایران بعلت عملکردهای ترامپ، نزدیک خواهد شد؟

به طور کلی اروپائیان نسبت به ترامپ نظر مثبتی ندارند. به خصوص بعد از مواضعی که ترامپ در مورد پیمان ناتو گرفت و اعلام کرد هزینه های نظامی ناتو به عهده خود اروپایی‌ها است و آمریکا حاضر به هزینه بیشتر در ناتو نیست، این گمانه را در بین تحلیل‌گران سیاسی تقویت کرد که آثار و نشانه‌های جدایی اروپا از آمریکا آغاز شده است؛‌ اما نکته مهم این است که اختلافات پدید آمده بین اروپا و آمریکا در دوره ترامپ که شکل جدی‌تری هم به خود گرفته است، به نزدیک‌تر شدن اروپا به جمهوری اسلامی ایران منتهی خواهد شد یا خیر، نیازمند تأمل و گذشتن زمان بیشتری است. تا حالا می‌شود اینگونه قضاوت کرد که در عمل چنین اتفاقی نیفتاده است، اما این باعث نشده است که اروپا و به خصوص بخش مالی و بانکی اروپا، سیاست هراس و پیروی از آمریکا را کنار بگذارد و محدودیت‌های تجاری و مالی علیه ایران را از دستور کار خارج کند، در عین حال برای جلوگیری از گرایش جامعه ایرانی به نفی برجام و ایجاد تنش بیشتر، به ارائه گشایش محدود و همکاری های حداقلی رو آورده اند.

16- تفاوت سیاست خارجی دمکرات‌ها و جمهوری‌خواهان آمریکا در منطقه خاورمیانه چیست؟

به صورت کلی سیاست خارجی آمریکا در آسیای غربی با دو محور دنبال می‌شود:

محور اول؛ حمایت از رژیم صهیونیستی: تفاوتی که در این موضوع میان دمکرات‌ها و جمهوری خواهان وجود دارد، این است که دمکرات‌ها به دنبال ایجاد دو کشور فلسطینی- اسرائیلی می باشند. به همین علت در برخی موارد از فلسطینی‌ها حمایت می‌کنند. اما جمهوری خواهان به ایجاد کشور فلسطینی– اسرائیلی اعتقاد ندارند. به همین دلیل یک‌جانبه از صهیونیست‌ها حمایت می‌کنند.

محور دوم؛ مهار جمهوری اسلامی ایران: دمکرات‌ها به دنبال تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران از طریق فرایندهای دمکراتیک هستند. اما جمهوری خواهان به فکر تغییر ساختار نظام جمهوری اسلامی می باشند. هر چند که تغییر رفتار، فی الواقع همان نتیجه را می‌دهد که تغییر ساختار بدنبال دارد.

خبر ویژه

**\*پیگیری فعالیت‌های ضد نظام از سوی حامیان روحانی!**

گروهی تحت عنوان «دانشگاهیان و فرهنگیان حامی روحانی» پیش از انتخابات‌ ریاست‌جمهوری برای پیگیری فعالیت‌های انتخاباتی راه‌‌اندازی شد که فعالیت‌های آن پس از انتخابات با تغییر نام به «دانشگاهیان حامی دکتر روحانی در حزب اعتدال‌ و توسعه تهران» شکل تندتری به خود گرفت. گروه مذکور ابتدا فعالیت‌های خود را در راستای انتخابات پیگیری می‌کرد؛ ولی پس از پیروزی آقای روحانی در انتخابات، روند‌ تندتری را در فعالیت‌ها دنبال کرد و ضمن توهین به رهبر معظم انقلاب، موضوع «رفراندوم برای تعیین رهبری» را نیز طرح کرد. توهین به روحانیون و تمسخر آنان و همچنین تقلیل جایگاه آنان نیز از جمله فعالیت‌های این گروه است که نمونه آن انتشار اخباری مبنی بر معرفی آیت‌الله کاشانی به منزله یکی از عوامل کودتای 28 مرداد است. این گروه اخباری درباره اکراد، بهائیان، 25 خردادماه و برجسته‌سازی کشته‌شدگان فتنه 88 از جمله کیانوش آسا، سهراب اعرابی، مصطفی غنیان و... منتشر می‌کند. همچنین، در این گروه کتابی درباره برخی ادیان از جمله مسیحیت با محتوای تبلیغ این دین منتشر شده و برخی اخبارهای گروه نیز از کانال‌های تلگرامی معاند نظام، از جمله آمدنیوز، مملکته و... است. گفتنی است، فعالیت‌های ضد نظام این جریان‌های سیاسی‌ـ فرهنگی در حالی پیگیری می‌شود که این افراد مورد حمایت برخی از نهادهای نظام و مدیران دولتی قرار می‌گیرند.

**\*پروژه خطرناک نفوذ در مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها**

مسئول مؤسسه‌ «راه تازه مدارس دنیا» که در حال حاضر در مقام نماینده دانشگاه کینگز انگلستان در حال فعالیت در کشور است، به تازگی در ادامه فعالیت‌های مشکوک خود در تلاش برای برگزاری کلاس‌های آموزش مربوط به روش‌‌های آموزش عربی مونته سوری، رجیو امیلیا و رویکرد انسان‌گرایی والدورف با کمک روح‌الله خدابنده و برگزاری اردوهای تفریحی‌ و علمی به کشورهای مالزی، سوئد، فنلاند و انگلیس در ایام تابستان با دعوت از معلمان و استادان دانشگاه با همکاری دانشگاه خوارزمی است. گفتنی است، نامبرده که در حال حاضر استاد دانشگاه خوارزمی است، از طریق دریافت مبالغ قابل توجه در داخل کشور و آشنایی فرهنگیان و استادان دانشگاه با روش‌های آموزشی مدارس آمریکایی فعال، اردوهای علمی و تفریحی در خارج از کشور برگزار کرده است. گفتنی است، در تابستان و با تعطیلی مدارس فعالیت‌های این مؤسسه گسترش یافته است.

**\* منافقین هم روی اینترنت و فضای مجازی متمرکز شدند**

گروهک منافقین در اقدامی جدید به اعضایی که به تیرانا، پایتخت آلبانی منتقل می‌شوند، طریقه استفاده از اینترنت و فضای مجازی را آموزش می‌دهد. گفته شده است، هم اکنون بیشتر وقت اعضای این گروهک به آموزش فضای مجازی سپری می‌شود. علت این اقدام منافقین جذب نیرو از طریق فضای مجازی اعلام شده است. یکی از اعضای تازه جدا شده منافقین در صفحه توئیتر خود نوشته است: «یکی از بچه‌هایی که از تیرانا فرار کرده، گفته به همه ما آنجا آموزش اینترنت دادند و کار بیشتر ما جذب نیرو و تبلیغات در اینترنت است.»

**\*هشدار درباره ایجاد یک «اسرائیل» جدید در منطقه**

رهبر حزب ملی‌گرای وطن ترکیه تأسیس کشور کردستان را به معنای ایجاد اسرائیل دوم در منطقه دانست و گفت: «آمریکایی‌ها در پشت برگزاری همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق بوده و به دنبال تشکیل اسرائیل کُردی در منطقه هستند.» پرینچک با حمله به تصمیم رهبران اقلیم کردستان عراق مبنی بر برگزاری همه‌پرسی استقلال، افزود: «تصمیم اقلیم کردستان عراق برای برگزاری همه‌پرسی استقلال در واقع تصمیم آمریکا و اسرائیل بوده و نتیجه حمایت‌های این جبهه از اقلیم کردستان عراق است.» وی بیان کرد: «آمریکا در منطقه هر چه قدر تلاش می‌کند تا ضعف خود را تلافی کند، بیشتر در باتلاق فرو می‌رود.» وی ادامه داد: «آمریکا در تلاش است تا به وسیله اقلیم کردستان یک اسرائیل دیگر در منطقه تأسیس کند؛ چرا که به زعم آنها، بعد از یک اسرائیل یهودی، حالا نوبت به یک اسرائیل کُردی رسیده است.»

**\*ادامه روند صعودی طلاق در استان قم**

در سه ماهه نخست سال جاری 700 مورد طلاق در دفاتر ثبت طلاق در استان قم ثبت شده که نسبت به دوره مشابه سال گذشته از افزایش فزاینده ای برخوردار بوده است . بیکاری ، مشکلات معیشتی ، اعتیاد وروابط زنا شویی دلایل عمده افزایش طلاق بوده است. پس از استان تهران ، استان قم دومین استان کشور می باشد که بیشترین طلاق آمار طلاق را دارا می باشد . سهولت در امر طلاق باعث شده است از استان های همجوار نیز برای طلاق به قم بیایند.

**\*نگرانی اقای خاتمی از رفتار وکم توجهی روحانی به اصلاح طلبان**

آقای خاتمی در جلسه شورای هماهنگی اصلاحات گلایه شدید و مفصّلی از آقای روحانی مطرح کرده و گفته است آقای روحانی تقریباً به هیچ کدام از آن قول و قرارها و تعهداتی که قبل از انتخابات با ما داشته عمل نکرده و الآن کار به جایی رسیده که حتی نمی توانیم او را پیدا کنیم و تلفن‌های ما را هم جواب نمی‌دهد و ما صرفا مجبوریم از طریق واسطه‌ها با روحانی صحبت کنیم! یک بار آقای جهانگیری و بار دیگر آقای ظریف و به هر واسطه‌ای هم یک حرفی می‌زند و بنابراین اتفاقی که از نظر اصلاح‌طلبان درباره روحانی افتاده، احتمالاً با هدف اینکه نظر نظام را بتواند درباره کابینه جلب کند یک فاصله ظاهری از اصلاح‌طلبان گرفته است. خاتمی چند نکته هم گفته است:

1- ظاهراً آقای روحانی فقط با ما می‌خواست تا انتخابات بیاید و ما او را دیگر بعد از انتخابات ندیدیم در حالی که قبل از انتخابات راجع به هر چیزی با ما مشورت می‌کرد.

2- آقای روحانی بعد از فوت آقای هاشمی با لحن آمرانه‌ای با ما صحبت می‌کند و یک‌طوری با ما حرف می‌زند که انگار ایشان جانشین آقای هاشمی است و ما باید از حرف‌های او تبعیت کنیم درحالی که خود آقای هاشمی نیز با ما اینطور برخورد نمی‌کرد و معمولاً نظرات همه را می‌شنید.

3- آقای روحانی حضور اصلاح‌طلبان نام و نشان دار و شناخته شده در کابینه را به نفع خودش نمی‌داند و حتی از بین اصلاح‌طلبان سراغ آن افرادی رفته است که با او رفاقت قدیمی دارند و در واقع اصلاح‌طلب به معنای سازمانی کلمه محسوب نمی‌شوند.

4- آقای جهانگیری به من مراجعه کرده و فوق‌العاده نگران و ناراحت از مشی آقای روحانی است و از من خواسته است درباره آینده دولت و نقش آقای جهانگیری در دولت با آقای روحانی صحبت کنم درحالی که جهانگیری نمی داند ما مهمترین کانالمان با آقای روحانی همین آقای جهانگیری است و ما دسترسی مستقیمی به روحانی نداریم. خاتمی گفته است که من می‌دانم کابینه که رأی بگیرد و از مجلس بیرون بیاید دوباره به ما مراجعه خواهد کرد و تلاش خواهد کرد نظر ما را جلب کند اما دیگر بی‌فایده است و ما باید بنشینیم و تکلیف‌مان را با آقای روحانی معلوم کنیم.

**\*ناراحتی رئیس مجلس از عملکرد اقتصادی دولت یازدهم**

رئیس مجلس در جلسه غیرعلنی هفته گذشته پارلمان انتقادات تندی نسبت به دولت یازدهم و عملکرد اقتصادی آن طی سال‌های اخیر مطرح می‌کند و از نمایندگان و به خصوص رؤسای کمیسیون‌های تخصصی می‌خواهد که نواقص و کاستی‌های دولت در حوزه مسائل اقتصادی را شناسایی کرده و حتماً این کمبودها را در بررسی صلاحیت و کارآمدی کابینه دولت دوازدهم به‌ویژه در بخش اقتصادی مدنظر قرار دهند. لاریجانی همچنین نسبت به اجرایی نکردن مفاد برنامه ششم توسعه از سوی دولت به‌شدت انتقاد کرده و به نمایندگان گفته «دولت هر جا نسبت به اجرایی نکردن مفاد و بندهای قانون برنامه ششم توسعه کوتاهی کرده، آن را احصا و گزارشی به کمیسیون مربوطه خود ارائه دهید». انتقاد لاریجانی از دولت در حالی است که رابطه وی با دولت خوب بوده و از وی به عنوان گزینه روحانی برای 1400 نام می برند. رئیس مجلس در همین راستا به رؤسای کمیسیون‌ها گفته 21 شاخص را در وزرای کابینه دوازدهم بررسی کنند. ما در این شرایط به یک دولت قوی نیاز داریم

**\* تاکید شورای عالی امنیت ملی بر داشتن پیوست امنیتی در قرارداد توتال**

دبیرخانه شورای عالی امنیت ملّی نهایتاً وزارت نفت و زنگنه را مجاب کرده که باید یک پیوست امنیتی برای قرارداد توتال نوشته شود. آقای زنگنه ابتدا نمی‌پذرفته ولی نهایتا بعد از اینکه تقریبا تمام اعضای جلسه از جمله وزارت، سپاه، نهادهای مختلف و دستگاه قضایی اصرار کردند که بدون پیوست امنیتی حضور یک شرکت خارجی بزرگ مثل توتال در ایران خیلی خطرناک است، نهایتا قبول کرده که پیوست امنیتی برای قرارداد نوشته شود و نهایتاً مصوّب شده که قرارداد توتال اجرا نخواهد شد؛ مگر اینکه این پیوست امنیتی تهیه و اجرا شود.

**\* تحقیق در خصوص علت فوت مرحوم هاشمی**

بعد از درگذشت مرحوم هاشمی رفسنجانی، کمیته‌ای به ریاست وزیر بهداشت تشکیل شد که راجع به فوت وی تحقیق کنند که ترور بیولوژیک یا طبیعی بوده است. وزیر بهداشت هفته گذشته گزارش خود را به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملّی داده و گفته مسأله‌ای نبوده است نظر نهایی این بود که مرگ طبیعی بوده و هیچ شبهه ترور و این قضایا در این ماجرا نبوده است.

**\* چند نکته در خصوص مسئله قطر**

عربستان سعودی خود را مدعی رهبری جهان اسلام می داند لذا در اجلاس ریاض سعی کرد 57 کشور اسلامی را جمع کند ویک فضای سنگین علیه جمهوری اسلام وخطر ایران به نمایش بگذارد واز طرفی قدرت ونقش خود را در جهان اسلام به رخ بکشد .اما با سرپیچی و مخالفت قطر با برخی از سیاست های عربستان باعث شد مغضوب عربستان گردد ومورد تنبیه قرار بگیرد.

**برخی دلایل اختلاف**

1- قطر قدرت برتر رسانه ای نسبت به عربستان دارد

2- قطر نزدیک به 500 میلیارد دلار ذخیره ارزی را دارد وبالاترین سرانه درآمد در جهان را داراست

3- رقابت عشیره ای بین آل سعود وآل نهیان از قبل بوده است

4- رقابت مذهبی بین تفکر وهابی و تفکر اخوانی ولائیک وجود دارد

5- رقابت انگلیس وآمریکا برسر بستن توافقات اقتصادی از دلایل ایجاد اختلاف می باشد.